

تحليل و بررسی وضعیت شاغلان دارای تحصیلات عالی

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

مجری

مهسا سعادتى

همکاران طرح

زهرة چیت‌ساز - مجید ذبیحی

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

تابستان ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی و منطقه‌ای است. امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال یک بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی به مرحله اجرا درآمده است.

از آنجایی که در این سرشماری‌ها، جمعیت به‌عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع بسیار غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

اگرچه داده‌های خام سرشماری فی‌نفسه نمادهای گویایی از خصیصه‌های مختلف جمعیت یک جامعه‌اند، اما ارزش واقعی آن‌ها زمانی پدیدار می‌شود که توسط اهل فن با رویکرد به پیوندهای متقابل پدیده‌ها تحلیل و تفسیر شوند. به منظور حصول به این گونه تحلیل‌ها، پژوهشکده‌ی آمار برای اولین بار با کمک پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و آماری اقدام به انجام طرح‌های پژوهشی در ابعاد گسترده در زمینه تحلیل ویژگی‌های جمعیتی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)، مسکن، امکانات و تسهیلات، مهاجرت (داخلی، خارجی) نموده است.

مجموعه حاضر یکی از طرح‌های انجام شده در زمینه تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ می‌باشد که امید است پاسخگوی بخشی از نیاز کاربران باشد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۳
۱-۱- تعاریف و مفاهیم	۳
۱-۲- محدودیت‌های تحقیق	۱۱
فصل دوم: بررسی وضعیت مقطع و گروه‌های مختلف تحصیلی دانش‌آموختگان آموزش عالی	۱۳
۱-۲- بررسی وضعیت دانش‌آموختگان آموزش عالی برحسب گروه عمده‌ی تحصیلی در هر یک از مقاطع تحصیلی	۱۳
۲-۲- بررسی دانش‌آموختگان آموزش عالی برحسب مدرک تحصیلی	۱۴
۳-۲- بررسی دانش‌آموختگان آموزش عالی برحسب گروه عمده‌ی تحصیلی و استان	۱۵
۴-۲- بررسی دانش‌آموختگان آموزش عالی برحسب مدرک تحصیلی و استان	۱۵
۵-۲- مقایسه دانش‌آموختگان زن و مرد آموزش عالی برحسب مدرک تحصیلی	۱۶
۶-۲- مقایسه دانش‌آموختگان زن و مرد آموزش عالی برحسب گروه عمده‌ی تحصیلی	۱۶
فصل سوم: بررسی وضعیت اشتغال تحصیل‌کردگان آموزش عالی	۱۹
۱-۳- ساختار علمی اشتغال کشور	۱۹
۲-۳- بررسی بازار کار تحصیل‌کردگان آموزش عالی	۳۸
فصل چهارم: یافته‌های تحلیل	۴۵

آموزش هدفمند افراد جامعه به خصوص در سطوح عالی، یکی از زیر ساخت‌های لازم برای نیل به توسعه پایدار است. هدفمند شدن نوع و سطوح آموزش و همچنین تعداد افرادی که لازم است تربیت شوند موجب هموار شدن راه دستیابی و تسریع در تحقق به اهداف کلان اقتصادی-اجتماعی و چشم اندازهای بلند مدت پیشرفت هر کشور است.

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که فقدان فرصت‌های شغلی مناسب برای قشر تحصیل کرده و نخبگان جامعه ایران موجب بروز معضل بیکاری، فرار مغزها و یا اشتغال در بخش غیرمولد و نامتناسب با سطح تحصیلات می‌شود که سالانه تعدادی از متخصصان و تحصیلکرده‌های ایران، به همین دلیل کشور خود را ترک می‌کنند. خبرگزاری فارس به نقل از نشریه میس^۱، مهم‌ترین نتیجه اجتماعی و اقتصادی بیکاری در ایران را فقر اعلام کرده و در واقع فقر ایرانیان را ریشه در بیکاری دانسته است. این گزارش در ادامه، فقر ناشی از بیکاری را موجب بروز دیگر معضلات اجتماعی از جمله خودکشی، طلاق، اعتیاد، فعالیت‌های اقتصادی زیر زمینی، جنایت، رشوه‌خواری و فساد مالی ارزیابی کرد.

بر اساس این گزارش، دولت ایران در طی ده سال گذشته با هدف کنترل سیل جوانان جویای کار سعی کرده است تا فضاهای دانشگاهی را گسترش دهد و حرکت این سیل عظیم به سمت دنیای بی‌کاران را کاهش دهد. در نتیجه این سیاست، تعداد دانشجویان ایران در طی ده سال گذشته پنج برابر شده است که این رقم رکوردی قابل ملاحظه می‌باشد.

در عین حال اقدام مذکور دارای دو ایراد اساسی می‌باشد: اول آن که این اقدام کاملاً موقتی بوده و پس از چهار سال جوانان جویای کار و این بار با توقعاتی بیش‌تر از سابق وارد بازار کار می‌شوند. ایراد دوم آن که به موازات تلاش دولت برای افزایش فضاهای آموزشی، به نظر می‌رسد که تلاشی برای افزایش کیفیت آموزش انجام نگرفته است. در نتیجه، ضعف سیستم آموزشی به همراه نبود

^۱ - نشریه «بررسی اقتصادی خاورمیانه»

فرصت‌های مناسب شغلی موجب شده است که در حال حاضر بسیاری از جوانان تحصیل کرده به مشاغلی غیر مرتبط با آموزش و تخصص خود روی آورند.

با ملاحظه همه این موارد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا افزایش دانشجویان دانشگاه‌ها و به تبع آن روند رو به رشد دانش‌آموختگان جویای کار به تنهایی قادر است پاسخگوی چشم انداز دولت در رسیدن به توسعه پایدار به‌ویژه در بخش اشتغال مطلوب باشد یا خیر؟

اهمیت این سؤال برای نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی و بخش اشتغال و فرصت‌های شغلی، ضرورت بررسی کارشناسی و مطالعه علمی موضوع با تکیه بر داده‌های متقن و جامع سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ را در قالب یک طرح مورد تأکید قرار می‌دهد.

این طرح بر آن است تا برآورد میزان دانش‌آموختگان بخش آموزش عالی و مشاغلی که این گروه تحصیلی بر عهده گرفته‌اند را بررسی کند.

فصل اول

کلیات

۱-۱) تعاریف و مفاهیم

تعاریف به کار رفته در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ در بخش آموزش عالی و اشتغال عبارتند از:

فارغ التحصیلان دوره‌ی آموزش عالی (افراد غیر محصل):

غیرمحصلانی که دارای مدرک تحصیلی دوره‌های عالی یا معادل آن هستند و همچنین غیر محصلان علوم دینی دارای مدرک دوره‌های سطح ۱ تا ۴ و اول و دوم خارج.

شاغل:

فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در ۷ روز پیش از مراجعه‌ی مأمور سرشماری، کار کرده، هرچند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود. همچنین هر یک از افراد زیر نیز شاغل محسوب می‌شوند.

▲ افرادی که دارای شغلی هستند ولی در ۷ روز پیش از مراجعه‌ی مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند.

▲ افرادی که در فعالیت‌های کشاورزی برای خود کار می‌کنند و به دلیل فصلی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه‌ی مأمور سرشماری کار نکرده‌اند.

▲ افرادی که به دلیل نوبتی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه‌ی مأمور سرشماری سرکار خود نرفته‌اند.

▲ افرادی که از سازمان محل کار خود بورسیه‌ی تحصیلی گرفته‌اند و مشغول به تحصیل هستند و به این دلیل در ۷ روز پیش از مراجعه‌ی مأمور سرشماری کار نکرده‌اند.

- ▲ افرادی که به دلیل مرخصی، تعطیلات، بیماری و مسافرت و ... در ۷ روز پیش از مراجعه‌ی مأمور سرشماری سرکار خود نرفته‌اند.
- ▲ افرادی که به دلایلی نظیر تغییرات موقت سازمانی یا خرابی دستگاه‌ها و ماشین‌آلات، نداشتن مشتری یا سفارش کار، به طور موقت سرکار نرفته‌اند.
- ▲ افرادی که از کار خود معلق شده‌اند ولی پیوند رسمی شغلی دارند.
- ▲ افرادی که در حال انجام خدمت وظیفه هستند.
- ▲ افرادی که خدمت در بسیج شغل آنان محسوب می‌شود و از این بابت مزد و حقوق دریافت می‌کنند.
- ▲ افرادی که بدون دریافت مزد، برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد).
- ▲ افرادی که به منظور کسب درآمد یا سود، در محل سکونت، کارهای خدماتی یا تولیدی نظیر قالی‌بافی، خیاطی، آرایشگری، تایپ، تدریس خصوصی، تعمیر وسایل برقی، نگهداری از کودک یا افراد سالخورده و ... انجام می‌دهند.
- ▲ افرادی که برای تولید کالاهای بادوام به فعالیت‌هایی نظیر قالی‌بافی، گلیم‌بافی، حصیربافی، خیاطی و ... برای مصرف خود یا خانوار خود مشغول هستند.
- ▲ افرادی که در حال ساختن، بازسازی یا تعمیر اساسی منزل خود هستند.
- ▲ افرادی که به عنوان کارآموز، کاری در ارتباط با فعالیت محل کارآموزی انجام می‌دهند، یعنی به طور مستقیم در تولید کالا یا خدمت سهیم هستند، اعم از آن که مزد و حقوق دریافت کنند یا نه.
- ▲ زنان یا مردانی که در فعالیت‌های کشاورزی مانند زراعت، باغداری، دامداری، ماهیگیری و ... مشغول به کار هستند.